

آبدین رزاقی / همت بلند یک دوستدار محیط زیست در طول یک دهه در روستای سنگسرک در سوادکوه مازندران، شکارچی های روستا را به محافظان محیط زیست تبدیل کرد.

داریوش احمدی پور، فعال محیط زیست و یک فعال اجتماعی، در روستای سنگسرک در منطقه سوادکوه مازندران به طور شجاعانه و بدون ترس و وحشت، فعالیت‌های محیط زیستی خود را آغاز کرد...



• چهارشنبه، ۶ اردیبهشت ۱۴۰۲
• ۵ شوال ۱۴۴۴
• سال بیست و نهم
• شماره ۸۱۶۹

Iran
Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

حوادث

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده‌ها / داستان‌های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... از امروز در ۴ صفحه ویژه

تی‌ترها

مردی پس از قتل همسر مطلقه‌اش ادعا کرد

جنایت خونین با دیدن فیلم سیاه زن تهرانی

مرد خشن که همسر مطلقه‌اش را کشته و جسد وی را در حاشیه تهران دفن کرده بود در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.



در شهرستان کوار سگ‌های ولگرد جولان می‌دهند

حمله سگ ولگرد به پسر ۱۵ ساله

ساعت ۹ شب با دیدن سگ، وحشت کردم و ...

ساعت ۹ و نیم شب، پسر ۱۵ ساله با پسرخاله ۱۸ ساله‌اش، در یکی از خیابان‌های شهرستان کوار در حال بازیگوشی به خانه هستند. همه چیز عادی به نظر می‌رسد ...

داستانی از هیسنوتیرم

روح مادر

روسی نخستین بار در ۷ سالگی بود که با جیغ بلندی از اتاقش بیرون دوید، گونه‌هایش سرخ و چشمانش وحشت‌زده بود. او به محض دیدن مادرش که با تعجب به سمت او می‌دوید، داد زد...

دادگاه خانواده

ویرانی زندگی عاشقانه با یک حسادت

حسادت، کلمه‌ای است که هیچ وقت مرد جوان فکر نمی‌کرد زندگی عاشقانه‌اش را به تباهی و جدایی بکشاند. به گزارش «ایران»، وقتی وارد راهروی دادگاه خانواده شدم چهره‌های روی چهره برخی افراد می‌شد لبخند را دید اما تل‌دل‌شان از اتفاقی که برای آن به این دادگاه آمده بودند پر از ناراحتی و افسوس بود.

عجیب‌ترین بخش بازسازی صحنه قتل

در یکی از قسمت‌های بازسازی صابر ادعا کرد، وقتی قتل رخ داد ترسیده بود که هم‌دستش با خون‌سردی گفت چپرا دروغ می‌گویی من تو علوم پزشکی خوانده‌ایم اصلاً هم از جسد نمی‌ترسیم. بازسازی صحنه جرم متهمان حدود ۴ ساعت طول می‌کشد و تمام این مدت فیلمبرداری می‌شود. وقتی داریم از پله‌ها می‌رویم به بالا می‌آیم با خودم فکر می‌کنم کج و خاک کف این ساختمان شاهد چه جنایت هولناکی بوده اند! اگر زبان داشتند فریاد می‌زدند! مثل آخرین گفته بود که ناراحتی‌ها را بنویس تا خشم تو کم شود. برای همین هم آن موارد را نوشته بودم.

پزشک سرشناس برادرش را کشت

صابر برادرش را محکم گرفت تا من به او تزریق کردم. حمید گنج و منگ شده بود. او را به طبقه چهارم بردیم و روی ویلیجر نشان‌دهیم. بعد دست و پایش را با زنجیر بستیم. صابر می‌خواست از او امضاهایی بگیرد و برای همین ۳ روز در همان حالت حمید را نگه داشتیم. حدود ۱۰۰ امضا و چک و مبالغه‌نامه از او گرفت. بعد از ۳ روز گفت که دیگر باید او را به قتل برسانیم. خودش یک رگ دست برادرش را زد و من رگ دست دیگری را زدم. بعد هم رگ باهایش را زدیم. وقتی مطمئن شدیم که دیگر نفس نمی‌کشد مطابق نقشه قبلی جسد را تکه‌تکه کردیم. فرزین تمام مراحل را نشان می‌دهد و می‌گوید، پلاستیکی از قبیل آماده کرده بود و دور میج دستان حمید گرفتند و رگ دستش را زدند. اما صابر در تمام این مراحل، می‌گوید که تمام حرف‌های فرزین دروغ است!

فارغ التحصیلی

آپارتمانی اداری در جایی دنج و خلوت از شهر تهران، محل وقوع یک جنایت هولناک است. آپارتمان نیمه‌ساخته است و هنوز هم گچ و خاک در کف طبقات وجود دارد. از پله‌ها بالا می‌رویم و به اتاقی نهایتاً ۱۲ متری در طبقه چهارم این ساختمان می‌رسیم. این اتاق همان جایی است که حمید ۳ روز دست و پا بسته روی یک ویلیجر به زنجیر کشیده شده بود و بعد از ۳ روز به قتل رسید. حالا دیگر ویلیجر در این اتاق وجود ندارد، اما به محض وارد شدن به این اتاق یاد اولین اعتراف فرزین می‌افتد: «سریال خون‌سرد را دیده بودم وقتی داشتیم نقشه جنایت را طراحی می‌کردیم از نحوه بستن مقتول‌ها روی صندلی در آن سریال ایده می‌گرفتم!»

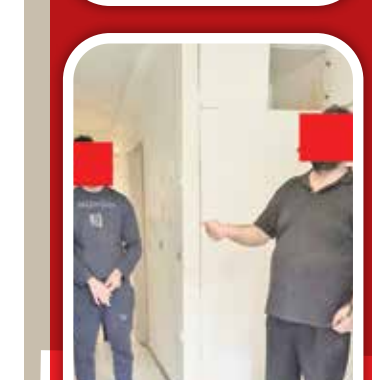
من قاتل برادرم نیستم

حالا نوبت به صابر رسیده که مطابق گفته‌های خودش صحنه قتل را بازسازی کند. او در تشریح ماجرا می‌گوید: «به هیچ عنوان قصد قتل رساندن برادر خودم را نداشتم. من با او اختلاف مالی داشتم و با هر ترفندی می‌خواستم با او حرف بزنم. کلاه‌باز شده بودید من به او یک آمبول زد. با اینکه من خبر نداشتم که قرار است آمبول بزنم. برادرم چند روزی در طبقه چهارم بود و نیت من فقط حل مشکل بود. در این مدت من هر چه می‌خوردم به او هم می‌دادم تا اینکه یک روز وقتی در طبقه پایین بودم، فرزین با عجله پایین دوید و گفت رگ دست و پاهای برادرم را زده است. من سریع بالا دویدم و دیدم برادرم را به قتل رسانده است. خیلی ترسیدم چون حالا فرزین از من نقطه ضعف بزرگی داشت که می‌خواست با آن از من اخذ کند. برای همین من گوش به فرمان او شدم و هر کاری می‌گفت انجام می‌دادم. نقشه مثله کردن برادرم را هم کشید و من چاره‌ای جز اطاعت از او نداشتم، اما تمام مراحل را خودش انجام داد.»

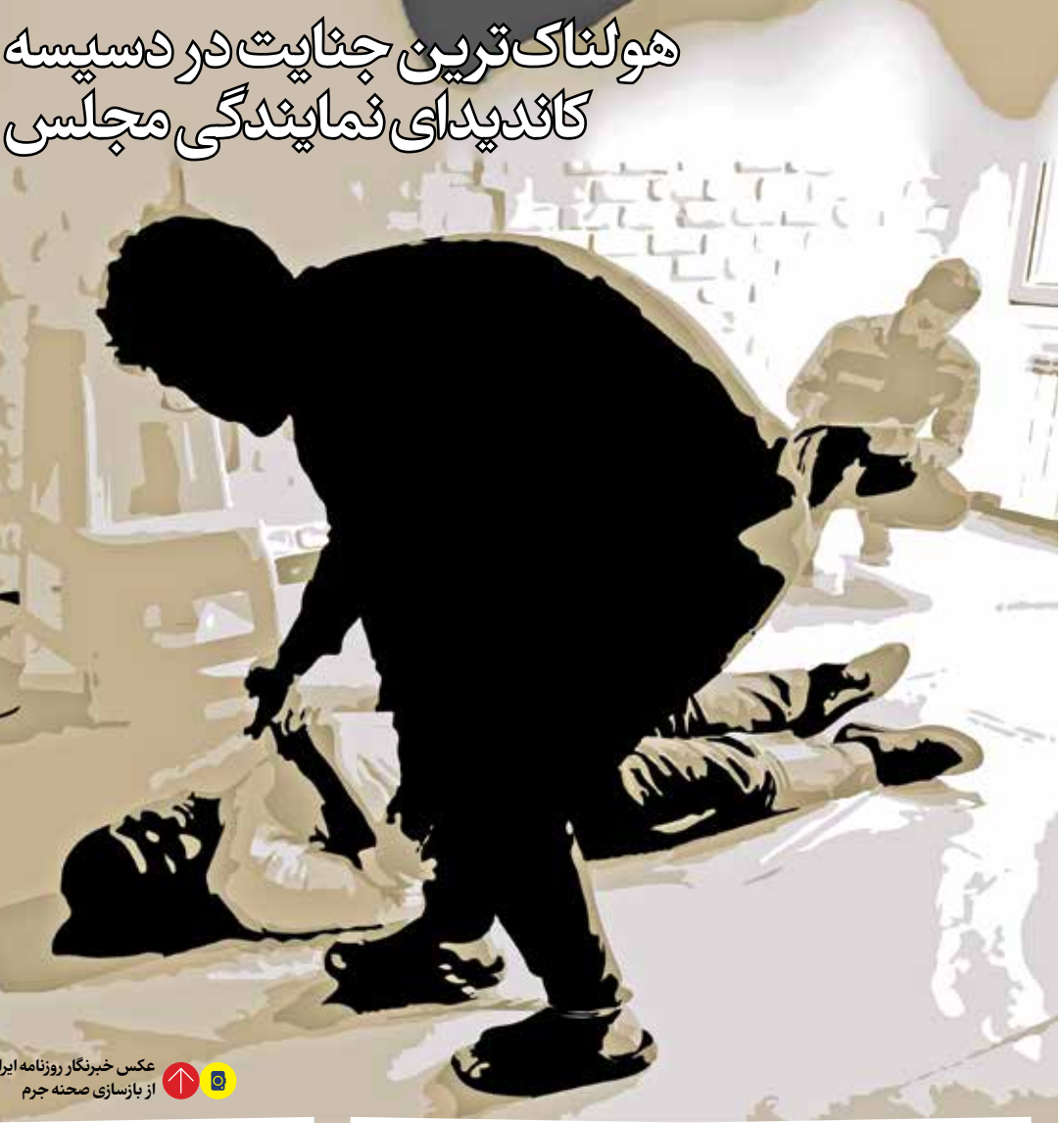
بازسازی هولناک‌ترین جنایت

با اطلاعاتی که فرزین در اختیار مأموران قرار داد، صابر هم دستگیر شد و رسیدگی به پرونده در دستور کار مأموران قرار گرفت. بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت. بعد از طی روال قانونی پرونده، روز گذشته متهمان برای بازسازی صحنه جنایت بار دیگر در محل وقوع جرم حاضر شدند و فرزین به تشریح جنایت پرداخت، اما این در حالی بود که صابر نقش خود را در به قتل رسیدن برادرش انکار می‌کند. این در حالی است که از بقایای جسد حمید تنها چند تکه استخوان در میان پونه‌های سدر خیابان فرشته کشف شده و فرزین در اعترافات قبلی خود گفته بود جسد را در نقاط مختلف شهر ریخته است.

هولناک‌ترین جنایت در دسپسپه کاندیدای نمایندگی مجلس



عکس خبرنگار روزنامه ایران از بازسازی صحنه جرم



فاطمه شیخ‌علیزاده / اواخر آذرماه سال

قبل در آپارتمانی واقع در خیابان فرشته تهران جنایتی هولناک رقم خورد که در آن یک پزشک سرشناس تهرانی به قتل رسید. عاملان جنایت از مدتی قبل سناریوی قتل را طراحی کرده بودند و گمان می‌کردند که فکر همه جای این سناریوی جنایی را کرده‌اند. تصور داشتند که مولا درز نقشه‌شان نمی‌رود و امکان ندارد کسی بتواند رزی از جنایت آنها کشف کند.

اما بعد از گم شدن پزشک تهرانی به نام حمید، ردیابی‌ها برای یافتن ردی از او آغاز شد و مأموران در اولین گام از تحقیقات خود متوجه اختلاف عمیقی شدند که از مدت‌ها قبل بین او و برادرش وجود داشت. همین کافی بود تا به مطبی که برادر مقتول بنازی انجام کرده بود سرزده و منشی این مطب را تحت بازجویی قرار دهند.

منشی که پسر جوانی به نام فرزین است در ابتدا سعی داشت حقیقت را کتمان کرده و مسیر پلیس را از رسیدن به حقیقت منحرف کند، اما تیزهوشی مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران دست فرزین را رو کرد و او پرده از راز جنایت هولناک خود با همدستی برادر حمید به نام صابر برداشت که تجسس‌ها نشان داد او نیز یک پزشک مشهور است.

فرزین در اعتراف هولناک خود گفت که بعد از به قتل رساندن حمید، جسد او را مثله کرده و تکه‌های جسد را کباب کرده و خوراکی حیوانات کرده‌اند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت که مدتی قبل صابر قصد داشته است نماینده مجلس شود و برادرش به عنوان اسپانسر، از صابر حمایت مالی کند. اما صابر در صلاحیت می‌شود و در همان گام ابتدایی این مسأله منتفی می‌شود. سپس حمید از صابر تقاضای بازگرداندن پولش به مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان را می‌کند اما همین موضوع سبب بروز اختلاف بین دو برادر می‌شود.

بازسازی هولناک‌ترین جنایت با اطلاعاتی که فرزین در اختیار مأموران قرار داد، صابر هم دستگیر شد و رسیدگی به پرونده در دستور کار مأموران قرار گرفت. بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت. بعد از طی روال قانونی پرونده، روز گذشته متهمان برای بازسازی صحنه جنایت بار دیگر در محل وقوع جرم حاضر شدند و فرزین به تشریح جنایت پرداخت، اما این در حالی بود که صابر نقش خود را در به قتل رسیدن برادرش انکار می‌کند. این در حالی است که از بقایای جسد حمید تنها چند تکه استخوان در میان پونه‌های سدر خیابان فرشته کشف شده و فرزین در اعترافات قبلی خود گفته بود جسد را در نقاط مختلف شهر ریخته است.

۱۰ روز دلهره‌آور برای مادری با ربایش نوزادش!



فرزانه مادر ۴۴ ساله‌ای که از پیدا شدن نوزاد ۳ ماهه‌اش پس از یک روز روبرو شدن! اشک شوق پر گونه‌های زخمی‌اش جاری بود. گفت: برای مادر فرقی ندارد که چند فرزند داشته باشد، همه فرزندانش چه دختر و چه پسر برایش عزیز هستند و نمی‌تواند از آنها دل بکند... من زن پاکستانی هستم که در ایران غریبم. ۷ دختر و یک پسر دارم و تک تک فرزندم را دوست دارم. درست است که زندگی فقیرانه‌ای دارم و خیلی از مردم فکر می‌کنند برای ما چیه اهمیت ندارد اما این طور نیست. این مادر ۴۴ ساله که ۲۵ سال می‌شود ازدواج کرده است و نخستین فرزندش ۲۰ سال سن دارد به خبرنگار «ایران» گفت: من و شوهرم هر روز از صبح تا شب با دستفروشی در معابر عمومی روزی خود و فرزندانمان را درمی‌آوریم و معتقدیم روزی بچه‌هایمان را خدا می‌دهد.

این زن زخم‌کنش که سواد خواندن و نوشتن ندارد و حتی نمی‌تواند فارسی را درست صحبت کند، ادامه داد: عشق به فرزند، فقیر و غنی نمی‌شناسد. چطور می‌شود گفت چون من نیازمند و غریب هستم فرزندم را رها کنم.

فرزانه درباره این تصور اشتباه که چون ۸ بچه داری چه می‌شد فرزندت را به آن زوج که بچه نداشتند می‌دای؟! درحالی که بسدت عصبانی شده است، گفت: من اگر بچه‌هایم را دوست نداشتم الان صاحب ۸ بچه نبودم، چون فقیر هستم باید بچه‌هایم را بفروشم؟! هرگز این کار را نمی‌کنم، حتی اگر دنیا را به من بدهند راضی نمی‌شوم آنها را بفروشم.

از اینکه آن زن و شوهر بچه نداشتند و به این خاطر بچه من را در زیدند بسیار ناراحتم و وقتی دستگیر شدند و شنیدم زندان افتاده‌اند برایشان غصه خوردم. کاش آنها هم فرزنددار می‌شوند و من برایشان دعا می‌کنم. او گفت: وقتی فهمیدم دخترم نیست خودم را کتک زدم و در این ۱۰ روز خواب و خوراک نداشتم. اسمش فضیله است و دیوانه‌وار دوستش دارم.

این زن از پلیس آگاهی به خاطر پیدا کردن دخترش تشکر و قدردانی کرد و گفت: هیچ وقت کمک آنها را فراموش نخواهد کرد.

جزئیات نوزاد ربایی در ساوجبلاغ

سررهنک حکمت‌الله شجاعی درباره این خبر گفت: رسیدگی به این پرونده از ۱۰ روز پیش در پی وقوع ربایش نوزاد شیرخوار ۳ ماهه توسط فردی ناشناس با یک پزو ۴۰۵ در روستای «آران» شهرستان ساوجبلاغ در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان در بررسی‌های اولیه خود و در تحقیقات صورت گرفته از مادر نوزاد شیرخوار متوجه شدند خانواده‌ای به دلیل نداشتن فرزند با مراجعه به خانه والدین نوزاد، پیشنهاد سرپرستی فرزند آنان را در ازای پرداخت مبلغی داده‌اند که با مخالفت خانواده نوزاد روبرو شده مواجه می‌شوند که همین موضوع ظن مأموران را برمی‌انگیزد تا نسبت به این موضوع حساس شده و تحقیقات تکمیلی را به مرحله اجرا بگذارند.

مأموران در ادامه با انجام اقدامات تخصصی و پلیسی و سرانجام با ظن قوی نسبت به ربایش طفل شیرخوار توسط این خانواده، بلافاصله وارد عمل شده و با شناسایی محل اختفای ربایند نوزاد در شهرستان، نظارت‌یاد و هماهنگی با مقام قضایی به محل اعزام شدند و در یک عملیات غافلگیرانه ربایند نوزاد را دستگیر و به پلیس آگاهی ساوجبلاغ منتقل کردند. وی با اشاره به بازگشت کودک ۳ ماهه به آغوش خانواده‌اش تصریح کرد: متهم انگیزه خود را از ربایش نوزاد شیرخوار نداشتن فرزند در زندگی مشترک عنوان کرد.